



تیرنگ | T-rang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | M tirang.advertising@gmail.com



گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۸ / ۲۴۷۸ / صفحه ۸ / ۲۵۰ تومان

یادداشت اول

روز زنان سخت کوش روستا

■ با مسوولیت سردبیر

روز شنبه، بیست و سوم مهر ماه، ۱۶ اکتبر، روز جهانی زنان روستایی بود. طبق اعلام سازمان ملل، هدف از این روز، پرداختن به نقش و تأثیر زنان روستایی، خصوصاً زنان بومی، در بهبود وضع کشاورزی و توسعه روستایی، افزایش امنیت غذایی و مبارزه با فقر روستاها است. بانوان روستایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نقش مهمی دارند که با تولید محصولات، مراقبت از دام، تأمین غذا، آب و سوخت برای خانواده و همکاری در فعالیت‌های بیرون از زمین و زراعت به منظور تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی خانواده، نمود پیدا می‌کند. به علاوه، بانوان روستایی، بخش عمده مسوولیت مراقبت از کودکان، سالمندان و اعضای بیمار خانواده را نیز به عهده دارند. بانوان روستایی، یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. در کشورهای در حال توسعه، زنان ۴۲ درصد نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند و تولید بخش اعظم غذای مصرفی جامعه خود را بر عهده دارند که از این نظر، سهم مهمی در تعیین امنیت غذایی ایفا می‌کنند. بانوان روستایی برای فعالیت خود نیازمند دسترسی به منابع طبیعی و مالی هستند و توجه به این واقعیت که ۷۶ درصد فقر مطلق جوامع، مربوط به محیط‌های روستایی است، اطمینان از این دسترسی را به یکی از دغدغه‌های مسئولین و فعالان در این روز بدل می‌کند. در گلستان نیز با توجه به اینکه نیمی از جمعیت استان در روستاها زندگی می‌کنند و بخش اعظم زندگی مردم تحت تأثیر کشاورزی و دامداری است، بانوان روستایی نقش موثری در توسعه به عهده دارند. نکته پر اهمیت آنکه با اینکه بانوان، زیر ساخت‌های توسعه روستایی را فراهم می‌کنند اما هیچ توجه جدی به آنها نمی‌شود. لازم است، مسئولین به مناسبت چنین روزهایی، به بانوان روستایی بیشتر توجه کنند، تا هم هر روز شاهد کاهش تعداد آنان و ترک بدون بازگشت روستا توسط دختران جوان به بهانه کار و تحصیل نباشیم و هم سهم عظیم و مؤثر این زنان در گردش چرخ اقتصاد کشور و تولیدات بومی نادیده گرفته نشده و کاهش نیابد.



نقص فنی ۳۰ درصد
نازل‌های سوخت مایع
« ۸ »



رونق ترانزیت کالا
از اینچهره بیرون
« ۸ »



زمان طلایی تزریق
واکسن آنفلوآنزا
« ۲ »

پیامدهای

تغییر اقلیم گلستان



مسئله‌ای خواهد شد که زندگی همه ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ خشک شدن تالاب‌ها، فصلی شدن رودخانه‌های دائمی و خشک شدن رودخانه‌های فصلی و ایجاد ریزگردها، همه پیامدهای این تغییر است. همین پدیده تغییر اقلیم، دریاچه ارومیه را خشک کرد و ما ناچار تماشای چینی خاموش بودیم که کاری از دستمان برنیامد. شاید علاج واقعه را قبل از وقوع باید می‌کردیم که نکردیم. بر اساس گزارش‌های جهانی، درباره تأثیرات تغییر اقلیم در ایران می‌توانیم بگوییم، با تداوم روند تغییر اقلیم، بخشی از ایران غیرقابل سکونت خواهد شد. تغییر اقلیم، منابع آب را در استان گلستان به طور چشمگیری کاهش داده است و این روند با شدت بیشتری ادامه خواهد داشت، به همین دلیل چاره‌ای نداریم جز اینکه به سمت مدیریت یکپارچه منابع آب برویم.

پس چه جای انکار؟ حالا اینکه عامل تغییر اقلیم، انتشار گازهای گلخانه‌ای هست یا نیست و عامل این پدیده چه هست و نیست در جای خود قابل بحث است اما باید بپذیریم، کشور ما دچار این پدیده است، بدون هیچ تردیدی. پدیده تغییر اقلیم در استان گلستان در سال‌های آینده به طور جدی تری تبدیل به

باور ندارند و سرسختانه حتی انکارش می‌کنند و حالا دیگر خودتان حدیث مفصل بخوانید از این مجمل. در تمام دنیا، خشکسالی‌های شدید و طولانی و بارندگی‌های سیل آسا و افزایش بیش از حد دما را نشانه‌هایی روشن از تغییر اقلیم دانسته‌اند، بنابراین تغییر اقلیم یک واقعیتی است که دارد اتفاق می‌افتد،

دکتر مهران فخری - در استان گلستان، تغییرات اقلیمی اثرات متفاوتی بر جای گذاشته است که همچنان ادامه دارد. افزایش خشکسالی، کاهش میزان بارش و در برخی مواقع، شدت بارندگی‌ها و در نتیجه به راه افتادن سیل‌های مهیب و... اگرچه گفته می‌شود که راهکارهای مختلفی برای مقابله با این پدیده وجود دارد؛ و اگرچه بسیاری از کشورها از سالها پیش در این زمینه تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای انجام داده‌اند اما در کشور ما نه اینکه مطالعات موردی انجام نشده باشد یا دغدغه‌ای وجود نداشته باشد، اما آنچه به وضوح روشن است، این است که از سوی دولتها در این خصوص کاری که بتوان گفت موثر بوده، انجام نشده است. مساله وقتی جدی تر می‌شود که بدانید، تعداد قابل توجهی از مسوولان حتی تغییر اقلیم را غیر واقعی می‌دانند و

منابع طبیعی و آب‌بهداری گلستان گفت: ۱۰۰ آبشخور فلزی از محل اعتبارات سفر رییس جمهور به این استان تهیه و بین مرتعداران واجد شرایط در منطقه توزیع شد. فرهنگ‌دوست افزود: برای خرید این تعداد آبشخور با هدف توزیع مناسب آب شرب دام و مدیریت صحیح مراتع منطقه، ۲ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده است.

داد: برای جذب این اعتبار، بونه‌کاری در سطح ۲۷۰ هکتار، مدیریت هرز آب (هلالی آبگیر) همراه با بونه‌کاری و بذرپاشی در سطح ۳۰۰ هکتار، تهیه ۲۵ دستگاه آب گرمکن خورشیدی و ۱۳۳ دستگاه پنل خورشیدی و واگذاری این دستگاه‌ها به مرتعداران واجد شرایط در شهرستان گنبدکاووس برنامه‌ریزی شده است. رییس اداره امور مراتع و بیابان

حفظ مراتع و بیابان‌زدایی در این خطه مصوب شده که مراحل اداری بستن قرارداد تخصیص و جذب آن توسط اداره کل در دست پیگیری است. تاج‌قلی فرهنگ‌دوست افزود: این اعتبار تخصیصی با طی مراحل اداری آن ظرف یک ماه آینده جذب و بلافاصله اجرای طرح‌های مرتعداری در شهرستان گنبدکاووس عملیاتی می‌شود. وی ادامه

گام ارزنده دولت سیزدهم در حفظ مراتع

رییس اداره امور مراتع و بیابان طبیعی و آب‌بهداری گلستان گفت: ۵۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات نفت در قالب سفر دولت سیزدهم به استان برای

زمان طلایی تزریق واکسن آنفلوانزا

معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی گلستان بهترین زمان برای تزریق واکسن آنفلوانزا را تشریح کرد. به گزارش ایسنا، آنفلوانزا از جمله ویروس‌های فصلی است که در نیمه دوم سال به سرعت شایع می‌شود، با وجود آنکه با تزریق واکسن آنفلوانزا تلاش شده این ویروس کشنده را کنترل کنند اما متأسفانه هنوز هم آمار ابتلا به این بیماری بالا است و هر ساله تعداد زیادی از افراد را گرفتار می‌کند. با شیوع ویروس منحوس کرونا،

رعایت پروتکل های بهداشتی و همچنین ترس مردم از این ویروس ناشناخته موجب شده تا آمار مبتلایان به آنفلوانزا با کاهش قابل توجهی همراه شود با این وجود کارشناسان معتقدند اخیرا با عادی‌نگاری کرونا از سوی مردم، رعایت پروتکل های بهداشتی نسبت به دوران اوج کرونا کمتر شده و همین مسئله احتمال شیوع آنفلوانزا و دیگر بیماری های تنفسی را افزایش می دهد. معمولا بهترین زمان تزریق واکسن آنفلوانزا شروع فصل سرماست. از آنجایی که فصل سرما در کشورمان کمی دیرتر شروع می شود به همین دلیل شیوع گسترده این ویروس از ماه‌های آبان، آذر و دی آغاز خواهد شد. معمولا توزیع واکسن آنفلوانزا از مهر ماه در کشورمان آغاز شده و در اواخر مهر ماه تقریبا

به اتمام می رسد به همین علت به افرادی که تمایل به تزریق واکسن آنفلوانزا دارند، توصیه می کنند، هر چه سریع تر نسبت به تهیه آن اقدام کنند. معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی گلستان، با تأکید بر اینکه کمبود واکسن آنفلوانزا در گلستان نداریم، اظهار کرد: افراد بالای ۶۰ سال، مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای و نقص ایمنی، افراد مبتلا به آسم و آلرژی، مبتلایان به بیماری‌های مزمن قلبی و عروقی، افرادی که تحت شیمی درمانی قرار دارند، بانوان باردار، مبتلایان به چاقی و کادر درمانی، در اولویت استفاده از واکسن آنفلوانزا هستند. پانید صدرایی با اشاره به اینکه با آمدن فصل پاییز و شیوع بیماری‌های عفونی حاد تنفسی و با توجه به همه گیری ویروس کرونا، بیماران و افراد در معرض خطر

در اولویت تزریق واکسن آنفلوانزا قرار دارند، تصریح کرد: زمان طلایی برای تزریق واکسن آنفلوانزا، اواخر شهریور تا پایان مهر است. به گفته وی، تزریق واکسن آنفلوانزا از اواخر شهریور تا پایان مهر ماه موجب می شود تا در بدن فرد واکسن زده مصونیت ایجاد شود و ایمنی واکسن تا اوایل بهار در بدن باقی بماند. معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی گلستان با تأکید بر اینکه واکسن آنفلوانزا از نوع ایرانی، فرانسوی و هلندی به تعداد کافی در داروخانه‌های استان موجود است، یادآور شد: واکسن آنفلوانزا مشمول بیمه نمی‌شود. صدارایی به شیوه دریافت واکسن آنفلوانزا اشاره کرد و متذکر شد: متقاضیان می‌توانند بدون نسخه پزشک با ارائه کد ملی و تاریخ تولد، این واکسن را از داروخانه‌ها تهیه کنند.

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض خانم زهرا زیرآبادی بشماره شناسنامه ۴۲۶ بشماره ملی ۵۷۳۹۴۸۶۱۹۱ صادره از جوین فرزند نورمحمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۵۹ در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۷۴،۱۰ مترمربع از پلاک ۳- اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

حجت الله تجری-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان م الف ۱۳۱۵۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۱۰۶۳۱۲۰۰۰۴۷۹۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۰۰۰۰۶۹۱ تقاضای آقای سعید سهرابی به شماره شناسنامه ۴۳ و کد ملی ۲۱۲۱۸۰۰۶۶۶ صادره از گرگان فرزند محمدحسن در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۲۶۰ متر مربع از پلاک شماره ۳۷۸ فرعی از ۱۲- اصلی واقع در اراضی قادرآباد بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی محمدباقر مشک ریز به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

علی برقی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان م الف ۱۳۱۵۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۱۰۶۳۱۲۰۰۰۴۸۰۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۰۰۰۰۱۱۲ تقاضای آقای محمدهادی طهماسی یاسولی به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۳۳۴۸۹۴ صادره از گرگان فرزند یعقوبعلی در ششدانگ اعینای یک باب ساختمان به انضمام چهل و هفت سهم مشاع از چهل و هشت سهم ششدانگ عرصه که مابقی سهام آن وقف است بمساحت ۱۵۰/۶۳ متر مربع از پلاک شماره ۱۲۵- اصلی واقع در اراضی تازیکی بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی حاجی پیرزاده به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

علی برقی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان م الف ۱۳۱۴۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان مروته به تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله پانزده روز از طریق روزنامه های کنترل انتشار و محلی آگهی می شود. در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت مرواه تهیه تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. پلاک ۱۵۷- اصلی بخش چهار حوزه ثبتی مرواه تهیه آراء شماره ۱۴۰۱۰۶۳۱۲۴۴۰۰۰۰۰۳۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۴۰۰۰۰۰۱ صادره از مرواه تهیه داتر بر مفروضی و مالکانه آقای پوریا قنده فرزند شادی به شماره ملی ۵۳۱۹۹۶۴۱۸۱ صادره از مرواه تهیه داتر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۷۱۵ متر مربع مفروض و مجزا شده از پلاک ۶۶۱ فرعی از ۱۵۷- اصلی واقع در قریه مرواه تهیه بخش چهار حوزه ثبتی مرواه تهیه انتقال ملک مع واسطه از مالک رسمی آقای علی پرن دوجی. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

عبدالحلیم کوچک نژاد- سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان مرواه تهیه م الف ۹۶۸۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۰۶۳۱۲۰۰۴۰۳۶۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۳ - موضوع کلاسه ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۲۸۹ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبد کاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم زهرا پارسامهر فرزند خداداد بشماره شناسنامه ۷۴۷ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۸۵۵۰۲ در ششدانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده به مساحت ۱۳۰،۳۰ متر مربع جدا شده از پلاک ۲۴۰۳۹ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبد کاووس تقی آباد شهرک مقدادی نبش کوچه آبان بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد خریداری ملک از محل تامت سهم مالکیت مشاعی بوده، لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

رضا سارانی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد کاووس - از طرف اصغر سبحانی م الف ۹۶۴۹

آگهی مزایده محلی فروش ماهی واحد گلستان

شرکت کشت و صنعت شهید مطهری (سهامی خاص) در نظر دارد

حدود ۴۰ تن ماهی پرورشی گونه های فیتوفاک، بیگهد و کپور تعدادی از استخرهای نوری و ضیایی بخش آبری پروری استان گلستان را از طریق برگزاری مزایده عام به فروش رساند. متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مزایده در روزهای اداری از تاریخ درج آگهی تا (ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۴) به آدرس دفتر واحد گلستان: استان گلستان، شهر خان ببین، جاده سعدآباد- کیلومتر ۸ روستای اراز گل اراضی شرکت کشت و صنعت

شهید مطهری مراجعه نمایند و یا از سایت شرکت به آدرس www.Kesht-sanat.ir قسمت مزایده ها و مناقصه ها در یافت نمایند.

مهلت و محل تحویل اسناد: تا ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۷ به دفتر شرکت در واحد گلستان به آدرس فوق

زمان و مکان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۷ در دفتر شرکت در واحد گلستان به آدرس فوق

*برای کسب اطلاعات بیشتر و بازدید از استخرها و نمونه گیری از ماهی ها با شماره تلفن های ۰۹۱۱۱۷۶۱۹۳۶ آقای سلطانی برای واحد ضیایی و ۰۹۱۱۱۵۳۹۳۹۱ آقای فرهادی برای واحد نوری تماس حاصل نمایید.

سنبش میزان ماندگاری

به دنبال مرگ



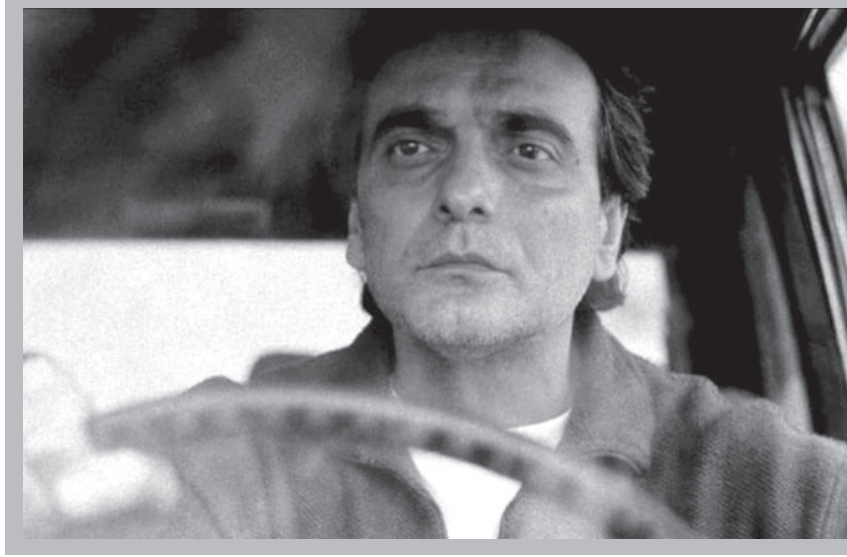
علی درزی تنها قطعیت زندگی بشر مرگ است و معمولاً از دشمنانترین چیزهای بشر آنهایی هستند که آن را رایگان در اختیار دارد، مانند خورشید، اکسیژن، پا دست، قلب و ...

اما آیا مرگ هم داشته ای گرانها و رایگان است؟ آقای بدیعی، شخصیت اصلی فیلم، از زندگی به تنگ آمده و تنها دلواپسی اش از خاک بیرون ماندن جنازه اش است. از این رو، دنبال کسی می گردد که روی جنازه اش چند بیل خاک بریزد.

اول: کارگر سنگبری: او از تجاویزی که در کیوسک تلفن به حریم شخصی اش شده (بدیعی از مشکل مالی او باخبر شده) به قدری ناراحت است که اصلاً به بدیعی گوش نمی دهد و می رود. دوم: زبانه گردی که از لرستان به تهران آمده تا برای خانواده اش پول بفرستد. این شخصیت، کلیدی ترین شخصیت فیلم است.

درست است که بدیعی می خواهد بهای مرگ را با پول بپردازد، اما صرفاً داستان فیلم، بهای مرگ نیست! برای مثال، فیلم پذیرایی ساده‌ی مانی حقیقی که به نظرم بسیار از این فیلم متاثر است. آنجا بهای پول، مضمون فیلم قرار می گیرد، که این پول برای هر کس در جایگاه متفاوت اجتماعی، چه بها و ارزشی دارد! این شخصیت زبانه گرد به جهات زیادی بسیار شبیه به Winona Ryder در فیلم *Night on Earth* جیم جارموش است. اگرچه به شوخ و شنگی و رهایی آن نیست، اما او هم در مقابل پول وسوسه نمی شود. یعنی کاری را که انجام می دهد را با جان و دل قبول کرده و به فکر کاری بهتر از نظر و دیدگاه دیگری نیست! او هم آب پاک را روی دست بدیعی می ریزد و حتی بدون اینکه پیشنهادش را بشنود، می رود.

سوم: سراغ سربازی کورد می رود. سربازی مجبور. بدیعی می خواهد هم از فقر سر باز که در خرج خودش مانده و جبری (سربازی) که در آن گرفتار است به نفع خودش سود ببرد، پس رگ ناسونالیستی



او را هم متورم می کند تا بتواند با ارجاع به پیشینه و عقبه جنگجویی و شجاعت ایل و تباری اش، او را وادار به ریختن خاک روی جنازه اش کند!

اما باز هم تیرش به سنگ می خورد و قدرت مرگ همچنان بیشتر جلوه می کند.

چهارم: طلبه افغان، اینبار هم بدیعی سراغ محتاجی جنگ زده می رود. جنگ زده ای که برای تحصیل فقه به ایران جنگ زده آمده و توجیه اش این است که جنگ آنجا سخت تر بوده! (ایران جنگ زده چقدر برای علوم فقهی ارزش قائل است که در دشوارترین لحظات تاریخ هم از هیچ تلاشی برای گرفتن طلبه و پرداخت کمک هزینه تحصیلی فروگذار نیست). بدیعی دستان طلبه را لازم دارد که خاک بر سرش بریزد و احتیاجی به زبان و فکرش ندارد.

دیالوگ های جالبی از زبان بدیعی بیان میشود: «خداوند خودش به انسان جون داده، هر وقت هم لازم شد می گیره، اما به موقعی می رسه که انسان دیگه خسته ست، نمی تونه منتظر بشینه که خداوند به مصالح خودش عمل کنه، دیگه خودش رسماً عمل می کنه، به هر حال این همون چیزیه که بهش میگن خودکشی، بعدش باید پذیرفت که واژه خودکشی رو برای فرهنگنامه نیارندن، بالاخره به کاربردی باید داشته باشه، کاربرتش هم الان همین جاست، خود انسان باید تشخیص بده، کاربرتش کجاست!»

و البته اشاره جالبی که به حس کردن رنجها دارد. انسانها شاید متوجه درد هم بشوند یا بفهمند، ولی نمی توانند درد همدیگر را حس کنند، در دردی مشترک هر کس بصورت مجزا آن را درک می کند.

طبق معمول موعظه های طلبه جوان و کم تجربه که یک سری آیات و صحبت های کلیشه را تکرار می کند، باز هم

پاسخگویی بدیعی نیست و اینبار هم بدیعی تیرش به سنگ می خورد.

در تعریف، شاید بتوان فقر را اویزه ای از سوژه پول تعریف کرد، اما در فیلم می بینیم که پول تنها دلیل رفع فقر نیست. پول شرط لازم است ولی کافی نیست، چون دو شخصیت اول حتی پیشنهاد بدیعی را نشنیده اند، پس نمی توان گفت بحث اخلاقی است، بلکه فراتر از آن است.

پنجم: آقای باقری: گمشده بدیعی، آقای باقری است. پیرمردی که از کارکنان کارگاه تاکسی درمی موزه است. او برای فرزند بیمارش مجبور به انجام این کار می شود. اینبار بدیعی توانسته مرگ را بخرد، اما نه با قیمت پول، بلکه به قیمت خریدن زندگی فرزند بیمارش! پازل گمشده بدیعی چفت می شود. مرگ فقط و فقط با زندگی قابل دادوستد است. پیرمرد تفاوتی که با دیگران دارد، سن و سال و تجربه زیستی اش است. پیرمرد بسیار مصمم است، هیچ شکی در انجام کار ندارد، برای همین، برای اولین بار بدیعی در هم فرو می شکنند. او که خودش، فلسفه و منطقش را بسیار درست و استخواندار می دید، برای اولین بار با مفهوم طعم توت و گیلاس به شک می افتد و دوباره از آقای باقری می خواهد که حتماً از مردنش مطمئن شود و بعد خاک را بر سرش بریزد!

کارگردان این فیلم بعد از برنده شدن یکی از معتبرترین جوایز سینمایی، یعنی کن (در آن زمان تا به این حد جشنواره بی اجر و قربی نبود). هنگام بازگشت به وطن مجبور می شود از در پشتی فرودگاه مهرآباد خارج شود. یعنی نه تنها خبری از گل و شیرینی نبوده، بلکه بسجی هایی عصبانی و چماق به دست، کارگردان فیلم را به انتظار نشسته بودند.

شاید مصاحبه های مردمی که از سینما بیرون می آیند

و ابراز نفهمیدن و حتی مزخرف بودن، می کنند را دیده باشید.

عباس کیارستمی را می توان در دسته ای از کارگردانان قرار داد که حد و اندازه اش حتی از جشنواره ای که او را معروف کرد هم بالاتر رفت. کیارستمی را نمی توان جزو کارگردانان سیاه نما یا هنری صرف دسته بندی کرد، "هنری" که می گویم یعنی اینکه فقط به قشر خاصی عاشق فیلم می شوند و مابقی متنفر!

پس چه اتفاقی برای طعم گیلاس افتاد؟ طعم گیلاسی که ابراهیم حاتمی کیا به کارگردانش حمله کرد و گفت: من از جبهه های جنگ فیلم می سازم و تو دنبال خانه دوستی!

اصلاً داستان این فیلم چه بوده که با چماغ به دنبالش افتادند؟ اگر داستان سیاه نمایی است، پس میثائیل هانکه را می بایست برای قاره هفتم اعدام می کردند.

مضمون تنهایی، جدا افتادگی، مدرنیته، زندگی ماشینی، درک نشدن و مرگی که درمانگر حقیقت جویی رهجویان است، موضوع جدیدی نیست، از وقتی که بشر در غار تنها بوده به آن فکر کرده و تا نابودی نسل بشر هم فکر خواهد کرد.

اما چه می شود که این مضمون را توهین به خود می پندارند؟ و به آن انگ سیاه نمایی می زند؟ و چماق به دست، کارگردانش را به انتظار می نشینند؟ پاسخ روشن است، تعصب و تعصب و تعصب.

ذات هنر، برملا کردن همین گمراهی هاست. بعد از گذشتن ۲۵ سال، این روزها می بینیم که حاتمی کیاها کجای سینما ایستاده اند و کیارستمی ها کجا! طعم گیلاس و امثالهم از آن دسته از آثار هنری هستند که از هنر برای هنر حرف می زند. نه دغدغه سیاسی دارد، نه اجتماعی و نه اقتصادی، چون بصورت خالص به زبان هنر از هنر سخن می گوید. در واقع می توان گفت: با چنان ظرافتی همه این مضمونها را دارد که حتی می شود گفت که ندارند! (برای بیننده باهوش کاملاً واضح است ولی برای سانسورچی کاملاً محو و پوشیده!) اگر واکنش بسیجیان و مصاحبه مردم عادی در مورد فیلم را آسفالتی بر روی فیلم بدانیم، هنر همان جوانه ای است که بعد از ۲۵ سال دل سیاه قیر را می شکافد و دوباره جوانه می زند.

هنر به ما می آموزد که نفهمیدن بهایی دارد و آن هم رنج فهمیدن است. برای مخاطب آن زمان دیر و زود دارد، ولی سوخت سوز ندارد. البته برای چماقداران همچنین رنجی وجود ندارد، چون همواره آسفالت می بینند.

درست هستند. از همان آغاز تیراژ با نشان دادن تصاویری از بندر، سعی در معرفی فضا دارد. ردپایی هم از مستند کوتاه و دیدنی تقوایی یعنی ((باد زار)) در سکانس های ابتدایی دیده می شود. بزرگترین پوشش مثبت فیلم از نظر من قصه گو بودن آن است. یک راست بسراغ قصه می رود، وقت هدر نمی دهد، از دادن اطلاعات طفره نمی رود و این امر تا پایان، ما را پیگیر سرنوشت آدم هایش نگه می دارد. اما شوربختانه آدم هایش لنگ می زنند. از خود ناخدا شروع کنیم: اساساً تک دست بودن او چه کارکردی دارد؟ این نقص فیزیکی که انتخابی عامدانه بوده، از یک تمهید دکوراتیو برای روشن کردن کبریت با یک دست فراتر نمی رود. در جایی می گوید: زمانی کار خلاف می کرده و

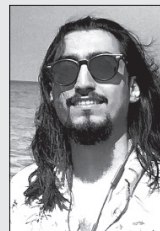
و چه حیف که دیگر خبری از آن فیلم قلدر که در کودکی و نوجوانی ما را مبهوت می کرد، نیست. البته جایگاه تقوایی با اثر دست نیافتنی اش یعنی ((دایی جان ناپلئون)) محفوظ باقی خواهد ماند. همانطور که احيانا می دانید، تقوایی در این فیلم برداشتی آزاد از رمان ((داشتن و نداشتن)) نوشته ((همینگوی)) داشته است. رمانی که ((هاکس)) هم در عصر طلایی هالیوود آن را ساخته و اگر بخوایم قیاسی کوتاه بین این دو فیلم داشته باشیم باید بگویم، ناخدا با وجود اینکه خودش هم فیلم درجه یکی نیست اما ده پله جلوتر از همتای آمریکایی خودش می ایستد که فیلم بشدت بد، احمقانه و ساده لوحانه ای است! بگذریم.

تقوایی سعی در مال خود کردن قصه ای آمریکایی و اینجایی کردن آن دارد. تا حدود زیادی هم موفق است و المان هایی را مورد استفاده قرار داده که انتخاب هایی

آصف ادهمی یکی از اساسی ترین سنگ محک های یک اثر هنری، مسئله سنبش میزان ماندگاری است. باید دید بعد از گذشت چند دهه و سالخورده شدن اثر و نشستن گرد زمان روی آن، آیا همچنان سرپا باقی مانده یا منقضی شده است.

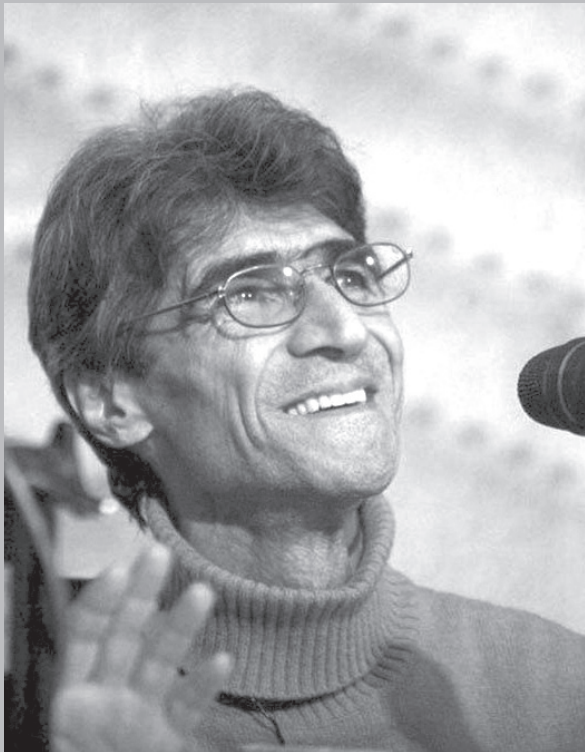
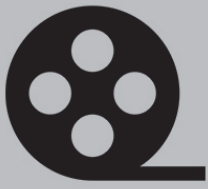
طی یکی دو سال گذشته چندین اثر مهم، محبوب و نوستالژیک ایرانی را بازبینی کردم و با تلخکامی باید اذعان کنم که همگی چندین و چند پله نردم، سقوط کردند. فیلمهایی از قبیل ((دونده))، ((بچه های آسمان))، ((مادر)) و ...

متأسفانه ((ناخدا خورشید)) هم از این قاعده مستثنی نیست



طعم گیلاس و ناخدا خورشید

ناخدا جان وین



برابر زورگویان و نامردان ایستاده است. دست آخر هم آتشی که اول فیلم نویدش را داده بود به پا می کند تا خشک و تر در آن بسوزند. اما چه سود که فیلم، مانند تمام وسترن های اسپاگتی کلیشه ای از سرگرمی یکی دو ساعته نصفه نیمه ای فراتر نمی رود.

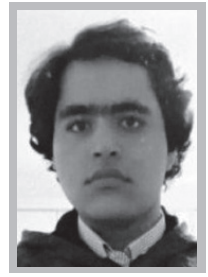
پی نوشت: از عمد به بازی ارجمند اشاره ای نکردم، چون همیشه بیش از آنچه حقتش باشد از او تعریف شده. حیف از صدا و دوبله هنرمندانه آقای اسماعیلی فقید روی بازی او. او که در تمام این سالها نشان داده تا چه حد بی مایه و متحجر است. در زمانه ای که وثوقی ها و تسلیمی ها در میدان نبودند، جولان داده و توهم هنرمند بودن هم دارد. هنر، جوهره درست می طلبد. ذهن باز و دیدی جامع تربیت می کند. شعور تزریق می کند. انسان را رو به جلو حرکت می دهد. به فکر و مطالعه وامی دارد.

و تقابلی هم با ناخدا جز در لفافه ندارد. اساسا چرا باید از او بدمان بیاید؟ صرفا چون سرمایه دار است؟ آخر این بنده خدا که نحوه زیست سرمایه دارها را هم ندارد. اصلا مگر هرکس سرمایه دار است آدم بدی است؟ جالب که او هم نقص فیزیکی ای دکوراتیو دارد. دلیل خیانت و همدستی دستیارش با تبعیدی ها را هم نمی فهمیم. بزرگترین ضربه ها را به فیلم همین لنگ زدن های شخصیتی می زند. آدم ها ساخته نمی شوند، تک بعدی اند. این باعث عدم شکل گیری جدالی ملموس بین آن ها و نتیجتا عدم طرفداری ما از سمتی خاص میگردد. شاید بتوان گفت ناخدا خورشید وسترن ترین فیلم سینمای ایران است. نه از آن جهت که کابویی سوار بر اسب در بیابان بی آب و علف هفت تیر کشی کند، از این جهت که (به اصطلاح) قهرمانی داریم در مکانی دور افتاده که به تنهایی و یکدستی در

اینکه مکان ثابت ویژگی بدی است. بلکه مکان ثابت، در کنار زمان و وحدت عمل - که توصیه ی اساتید تئاتر است به نقل ابراهیم یونسی - ویژگی موثری است. می توانید نمونه هایش را هم بخوانید و هم ببینید. مثل کشتار پولانسکی. در طعم... مکان ثابت وقتی توام می شود به واقعگرایی سرباز و آخوند، زمان زیادی را می گیرد. دومین نکته، مکان ثابت بیرون از ماشین است. یعنی یک مکان ثابت درونی داریم و یک مکان ثابت بیرونی. که این رفت و آمد خاکی و نمادین مداوم، وقتی با گنگی شخصیت پردازی محدود همراه می شود، باعث لختی و کندگی می شود. تمام این ها کفایت مخاطبی را که سریال های آبکی و فیلم های مزبذب و مزخرف را عادت کرده، به کنار بزند.

طعم ... برای مردیست که ما چیزی ازش نمی دانیم. این کار باعث می شود که او بشود مثل هر انسانی و عامیت می یابد. (مثبت) از سوی دیگر عامیت زیادش، باعث می شود که همسان پنداری مخاطب کم شود (منفی) از سوی دیگر، عامیت باعث می شود هرکسی بتواند فکری بگذارد در فکر مرد و خود بشود مثل او و آزاد باشد در انتخاب انگیزه-دلیلهای خودکشی (مثبت) و از سویی فکر مرگ و خودکشی که به فرد و تجربه و زیست او بستگی دارد و بیشتر افراد تا پیش از مرگ، مرگ را از خود می رانند و به آن فکر نمی کنند، باعث می شود که نتوانند آن انگیزه و دلیل ها را به خوبی «حس» کنند. (منفی) که خود مرد می گوید: فهم مهم نیست و حس مهم است و همین احساس معلق و لختی و تکرار و خستگی است که مکان را ثابت می کند و مرد را نمونه ی انسانی می کند که می تواند در صورت حس و فکر و تجربه، فهم و درک شود و یا در صورت نبود مقدمات، حس برنینگیزد. خوب مثل انسانی زیاد انسانی و بد مثل انسانی زیاد انسانی. اما هرچه باشد، انسان می ماند و در شک ارجحیت زندگی و مرگ، مرد می ماند. که انسان، به شک زنده است.

انسانی زیاده انسانی



محمد صالح فصیحی

من داستانی نوشته بودم حدود دو سال پیش، به نام آب. داستان موقعیتی خاص بود برای شخصیتی به نام مسعود، که کشاورز بود. داستان، سکون وضعیت، پرش های زمانی ای که استمرار حال را گسترش می داد و حال و فکر درونی مسعود و معصومه را روایت می کرد و به زبان ساده، مجموعه ای از اتفاقات به ظاهر بی اتفاق بود. داستان را به نویسنده ای دادم که برابم مثل استاد بود. خواند و خوشش آمد و نظرش را گفت. بعد وقتی برای واکنش مخاطب ازش پرسیدم، گفت: داستانت جزو داستان های سخت خوان حساب می شود. ممکن است خواننده ی عام، با آن ارتباط راحتی نگیرد. وقتی که طعم گیلاس را می دیدم، همان داستان آب در ذهنم زنده شد. نه اینکه کاملا شبیه هم باشند، اما در نوع روایتشان شباهت دارند. (و در بحث تشبیه، نادیده گرفتن برخی از وجوه طبیعی و عادیست).

برای طعم گیلاس هم وضع خواننده-مخاطب عام همانیست که برای آب هست. طعم گیلاس به چند دلیل، مخاطب عام را پس می زند: یکی مکان ثابت است. مکان ثابت را به نسبت همین فیلم می گویم نه



کات به کلوزآپ چهره اخموی او اسی و سبیل از بناگوش در رفته اش. این مقدمه چینی مفصل و میزانشن وسترنی اش نوید ورود شخصیت منفی/مثبت مهمی را باید بدهد، ولی در کمال تعجب او در طول فیلم، نقش چندان کلیدی ای ندارد و رها می شود. ورود نصیریان اما، درست و فکر شده تر است. با قایق می آید، با آدم مهمی اشتباه گرفته می شود و هنوز نرسیده در آب می افتد که قرینه به تقابل لحظه مرگش است. رخت از تن درآوردن و حوله پیچ کردنش هم کنایه ای به بی چیز بودنش است و اینکه او دلال شیدایی پیش نیست.

شخصیت سیاه فیلم، یعنی آن مرد معلول هم ایدا برای ما ساخته نمی شود. حتی یک قاب میدیوم کلوز هم از او نداریم. سلطه مافیایی او جز در دیالوگ دیگران نشان داده نمی شود. بطرز عجیبی هیچ دیالوگی در فیلم ندارد

به دستش شلیک کرده اند. چنین دلیلی همذات پنداری ای در مخاطب ایجاد نمی کند. از طرفی برخوردش با ملول چرا بسیار زنده و تحقیرآمیز است. مدام او را تن لش خطاب می کند و بدتر از همه اینکه در انتها مردک بیچاره را به کام مرگ می فرستد و از کشته شدن او ککش هم نمی گزد. این معایب و حفره های شخصیتی، ما را از ناخدا دور می کند و شمایل قهرمانانه ای که تقوایی در نظر داشته را مخدوش می سازد. از سوی دیگر شخصیت سرهنگ را با بازی مرحوم او اسی داریم که میزانشن اولین ورودش برآفتاب از ناخدا که آدم اول فیلم است، پر و پیمان تر است. تبعیدی ها با آوردن اسمش خودشان را جمع و جور می کنند، کات می خورد به سایه بزرگ او روی تبعیدی بیمار،

نقص فنی ۳۰ درصد نازل‌های سوخت مایع



در گلستان تشکیل و اعلام جرم شد که با دستور مقام قضایی، کالاها جمع آوری و معدوم شدند. وی نظارت بر کیفیت کالاها صادراتی و وارداتی را از دیگر وظایف استاندارد دانست و اضافه کرد: از مهر پارسال تا مهر امسال برای ۶۰۰ محصول صادراتی گلستان و ۱۰۰ محصول وارداتی به این استان توسط این اداره کل گواهی انطباق استاندارد صادر شد. حسینی گفت: اداره کل گمرکات گلستان تا زمانی که تاییدیه استاندارد یک محصول صادراتی یا وارداتی انجام نشود، اجازه صادرات یا واردات کالا را نخواهد داد. وی به اجرای برخی طرح‌های ویژه از جمله نظارت بر لوازم و تجهیزات شهربازی‌ها و آسانسورهای اماکن عمومی در گلستان توسط کارشناسان استاندارد خبر داد و اظهار داشت: در یک مرحله بررسی ۶۰ وسیله و تجهیزات شهربازی‌ها در گلستان، تمامی آنها رد شدند که مراتب به شهرداری‌ها برای رفع نواقص و دادستان‌ها برای اطلاع و پیگیری اعلام شد. مدیرکل استاندار گلستان همچنین گفت: در بررسی ۱۱۴ دستگاه آسانسور متعلق به اماکن عمومی این استان، مشخص شد ۴۰ درصد آنها فاقد انطباق با استاندارد هستند که تذکرات و اخطارهای لازم به متولیان داده شد.

استاندارد برای ۶۴۰ محصول تولیدی این استان در بخش‌های مختلف خبر داد و گفت: ۳۳۰ واحد تولیدی و محصولات آن در گلستان تحت نظارت اداره کل استاندارد قرار دارد. وی افزود: رعایت استاندارد، برای بهتر زیستن است و همه واحدهای تولیدی مکلف به رعایت آن هستند. حسینی افزود: در ۶ ماه نخست امسال و خارج از کمیسیون ماده ۴۲ هم تعداد ۱۰ پرونده مربوط به کالاها فاقد علامت استاندارد یا استاندارد جعلی با حجم بالا مانند نمک، بستی و زعفران

پخش فرآورده‌های نفتی گلستان است که باید نسبت به رفع آن اقدام نماید. حسینی، نظارت بر نازل‌های جایگاه‌های سوخت مایع را از وظایف ذاتی استاندارد دانست و اضافه کرد: حداقل سالی ۲ بار به منظور جلوگیری از ضرر مصرف کننده و جایگاه دار، توسط کارشناسان استاندارد بر نازل‌ها نظارت می‌شود که در ۶ ماه نخست امسال افزون بر هزار نازل در سطح گلستان مورد بررسی فنی قرار گرفتند و تا ۲ برابر این آمار هم در حال بررسی هستند. مدیرکل استاندارد گلستان از صدور پروانه کاربرد

مدیرکل استاندارد گلستان با اشاره به نقص فنی و سخت‌افزاری ۳۰ درصد نازل‌های جایگاه‌های سوخت مایع استان، خواستار برطرف کردن این نواقص توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی شد. به گزارش ایرنا، سیدمهدی حسینی گفت: این نقص‌ها سبب شده تا امکان بررسی فنی آن نباشد با این حال بازرسان ما با نصب برچسب (خارج از خدمت) مانع فعالیت آن نازل می‌شوند، ضمن اینکه متولی رفع نواقص سخت‌افزاری نازل‌های سوخت، شرکت ملی پالایش و



رونق ترانزیت کالا از اینچه‌برون



مدیرکل راه‌آهن شمال شرق ۲ گفت: در استان گلستان ۱۴۴ کیلومتر خط ریلی وجود دارد که از سال ۱۳۹۳، گرگان به راه آهن کشور ترکمنستان و قزاقستان و چین از طریق اینچه‌برون برای جابجایی کالا متصل شده و ترانزیت کالا از طریق اینچه‌برون هم از ابتدای امسال با تقویت دیپلماسی دولت سیزدهم شدت گرفته است. به گزارش ایرنا، محسن اعتماد افزود: از ابتدای امسال ۲۶۷ هزار و ۱۹۶ نفر در این استان برای مسافرت‌های برون شهری خود از قطار استفاده کردند که نسبت به مدت مشابه سال قبل از ۱۸۷ درصد رشد برخوردار است. علاوه بر این، استقبال اهالی استان گلستان برای استفاده از قطار در جابجایی در این بازه زمانی نسبت به آمار سال قبل که ۱۸۴ هزار نفر بود، بیش از ۳۱ درصد افزایش دارد. وی تغییر نیافتن قیمت بلیت قطار از سوی شرکت و نداشتن تاخیر حرکت قطار از مبدا و توجه به سرمایه‌گذاری زیرساخت ریلی استان طی دو سال اخیر را از دلایل اصلی انتخاب اهالی استان گلستان از قطار برای جابجایی برشمرد و گفت: اکنون قطار مسافری از گرگان به تهران و بالعکس و همچنین به صورت ریل پاکس در مسیر گرگان - پل سفید (سوادکوه) در مازندران و بالعکس، فعال است.



اورژانس گلستان نیازمند ۳۰ آمبولانس جدید

رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: اورژانس گلستان برای خدمات رسانی حداکثری و پوشش سریع‌تر و کامل‌تر به حادثه دیدگان به ۳۰ آمبولانس جدید نیاز دارد. به گزارش مهر، محمدجواد مقسمی اظهار کرد: هم‌اکنون ۶۱ پایگاه ثابت، یک دستگاه اتوبوس آمبولانس و یک پایگاه هوایی اورژانس ۱۱۵ در استان با بیش از ۸۰ نیروی ماهر و کار بلد شامل پرستار یا کارشناس فوریت‌های پزشکی به مردم امدادسانی می‌کنند. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: به زودی با تجهیز و استقرار یک دستگاه اتوبوس آمبولانس در گنبدکاووس، تعداد پایگاه‌های فعال در گلستان به ۶۴ مرکز امدادی می‌رسد. مقسمی از خارج شدن نزدیک به ۵۰ دستگاه آمبولانس از مسیر عملیات امدادی، ادامه داد: برای ارائه خدمات بهتر و سریع‌تر، نیاز به ۳۰ دستگاه آمبولانس جدید داریم که سه دستگاه تامین شده و با پیگیری مسئولان دانشگاه و استانداری برای تخصیص مابقی با همراهی نمایندگان مجلس در حال انجام است.



آگهی مزایده



شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی در نظر دارد

- ۷- متقاضیان باید ۵ درصد رقم پایه به مبلغ ۸۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت نامه‌ی بانکی و یا نقداً به حساب شماره‌ی ۰۵۹۵۵۰۶۲۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰ عهده‌ی بانک رسالت در وجه هتل جهانگردی ناهار خوران گرگان به عنوان سپرده‌ی شرکت در مزایده واریز و اصل ضمانت نامه و یا رسید واریز وجه را در پاکت (الف) در بسته قرار دهند.
- ۸- قیمت پیشنهادی باید در پاکت (ب) به صورت در بسته و به همراه پاکت (الف) و فرم شرکت در مزایده به طور خوانا و بدون خط خوردگی و یا قراردادن شرط در آن، تکمیل و مهر و امضاء نموده، در یک پاکت در بسته‌ی سوم مهر و موم شده حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ به قسمت مالی هتل جهانگردی ناهار خوران گرگان تحویل و رسید دریافت گردد.
- ۹- هزینه کارشناسی و انتشار آگهی بر عهده‌ی برنده‌ی مزایده خواهد بود.
- ۱۰- شرکت، در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها و یا الغای مزایده مختار خواهد بود.
- ۱۱- جهت بازدید از محل مورد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌ی تلفن ۰۱۷-۳۲۵۴۰۰۳۴ تماس حاصل فرمایید.

شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی

- کافی شاپ با کاربری تجاری واقع در بلوار ناهار خوران، هتل جهانگردی ناهار خوران گرگان را از طریق مزایده عمومی با مشخصات زیر به صورت قرارداد اجاره‌ی یک ساله واگذار نماید:
- ۱- قیمت پایه‌ی اجاره‌ی ماهیانه ۱۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت نقدی
- ۲- محل دریافت و تحویل اسناد مزایده: گرگان، بلوار ناهار خوران، هتل جهانگردی ناهار خوران گرگان
- ۳- مهلت دریافت اسناد مزایده: از زمان انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز
- ۴- زمان تحویل پیشنهادها: تا آخر وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۲
- ۵- پیشنهادها رسیده در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی تهران، خیابان ولی عصر (عج) روبروی خیابان شهید عباسپور (توانیر) بن بست شمس پلاک ۳ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ مفتوح و برنده‌ی مزایده ظرف مدت یک هفته اعلام خواهد شد.
- ۶- به پیشنهادهای مبهم، ناقص، مشروط، مدت دار، متغیر با شرایط مزایده، مخدوش و فاقد سپرده و یا پایین‌تر از قیمت پایه ترتیب اثر داده نخواهد شد.